

وهابیت و گسترش اسلام تندرو در جنوب شرق آسیا

محسن معصومی^۱

چکیده

اسلام، در جنوب شرق آسیا از آغاز تا امروز، اسلامی صوفیانه، مدارا طلب و میانه رو بوده است. برجسته ترین ویژگی مسلمانان این منطقه در دوره های گوناگون تاریخی و معاصر، رواداری نسبت به پیروان دیگر ادیان و نحله های محلی و همزیستی مسالمت آمیز با آنها بوده است. در واقع اسلام در جنوب شرق آسیا همواره چهره ای خندان و صلح جو داشته است. از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم مسلمانان جنوب شرق آسیا با اندیشه های وهابی آشنا شدند. از این دوره، بسیاری از علما مسلمان این منطقه برای تکمیل تحصیلات خود به شهرهای مکه و مدینه و قاهره سفر کردند و در این مراکز با وهابی ها آشنا شدند. در قرن بیستم و با تشکیل کشور عربستان سعودی و در پی ایجاد مراکز آموزشی گوناگون در جنوب شرق آسیا، تأثیر اندیشه های وهابی بر مسلمانان جنوب شرق آسیا رو به فزونی نهاد. فعالیت های وهابیان در طول این مدت به ویژه در چند دهه اخیر در جنوب شرق آسیا موجب شد که برخی از مسلمانان این منطقه به تدریج از رواداری، میانه روی و مدارا طلبی به تندروی و ستیزه جویی با پیروان دیگر ادیان و نحله ها و حتی مسلمانان دیگر، روی آورند. در این مقاله پس از بیان چگونگی ورود اندیشه های وهابی به جنوب شرق آسیا، به نقش فعالیت های وهابیان در افزایش گرایش به تندروی و عدم مدارا در میان مسلمانان جنوب شرق آسیا پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

افراط گرایی اسلامی، جنوب شرق آسیا، عربستان سعودی، وهابیت.

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران - mmassumi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۱

مقدمه

در دهه‌های اخیر، مطالعه تاریخ اسلام و نیز اوضاع سیاسی و فرهنگی و اجتماعی مسلمانان در جنوب شرق آسیا، توجه بسیاری از پژوهش‌گران را به خود جلب کرده است. به علاوه برخی از نهادهای سیاسی و اجتماعی بین‌المللی و نیز مراکز تصمیم‌گیری سیاسی و حتی نهادهای امنیتی در کشورهای مختلف، به مطالعه و بررسی اوضاع مسلمانان در جنوب شرق آسیا توجه زیادی نشان داده‌اند. برای نمونه، بخش سیاست خارجی پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۳ در طرحی با عنوان "مشارکت سلفی/وهابی در حمایت و تجهیز گروه‌های شورشی در سراسر جهان"^۱، به جنوب شرق آسیا توجهی ویژه کرده و این منطقه به‌ویژه اندونزی و فیلیپین را یکی از اصلی‌ترین مراکز فعالیت‌های برخی از گروه‌های تندرو اسلامی چون القاعده دانسته است. بیلویر سینگ^۲ استاد مطالعات سیاسی در دانشگاه ملی سنگاپور نیز در کتاب "طالبانیزم در جنوب شرق آسیا"^۳ فعالیت‌های طالبان و تأثیر آن بر مسلمانان در جنوب شرق آسیا را بررسی کرده است. نورهادی حسن^۴ پژوهش‌گر اندونزیایی در مقاله "مدارس سلفی و افراط‌گرایی اسلامی در اندونزی جدید" و انگل رابازا^۵ از پژوهش‌گران پیرکار در موضوعاتی چون اسلام‌گرایی، تروریسم و اصلاح‌طلبی در جهان و در جنوب شرق آسیا نیز در مقاله‌ای با عنوان "آموزش اسلامی در جنوب شرق آسیا"^۶ به بررسی فعالیت‌های آموزشی مسلمانان در این منطقه و سهم وهابیت و عربستان سعودی در حمایت از مراکز آموزشی پرداخته‌اند.

جوزف لئو^۷ استاد دانشگاه صنعتی نانیانگ^۸ در سنگاپور یکی از مشهورترین و پرکارترین پژوهش‌گران در زمینه اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مسلمانان در جنوب شرق آسیا به‌ویژه تایلند و فیلیپین است. لئو بیش از یازده کتاب و ده‌ها مقاله درباره اوضاع

1. The involvement of Salafism/Wahhabism in the support and supply of arms to rebel groups around the world

2. Bilveer Singh

3. The Talibanization in Southeast Asia

4. Noorhadi Hasan

5. Angel Rabasa

6. Islamic Education in Southeast Asia

7. Joseph Chinyong Liow

8. Nanyang Technological University

مسلمانان در جنوب شرق آسیا نوشته است. وی در یکی از آثار خویش به نام *مقاومت مسلمانان در جنوب تایلند و فیلیپین: دین، ایدئولوژی و سیاست*^۱ ضمن مطالعه درگیری‌های موجود میان مسلمانان جنوب تایلند و فیلیپین با دولت‌های مرکزی در این دو کشور، ریشه‌های ایدئولوژیک، قومی و سیاسی این درگیری‌ها را بررسی کرده و به مطالعه تأثیر برخی از اندیشه‌های دینی از جمله وهابیت در این منازعات پرداخته است. اثر مهم دیگر لئو کتاب *اسلام، آموزش و اصلاحات در جنوب تایلند* است^۲ که نویسنده ضمن اشاره به مؤسسات و شیوه‌های آموزشی در میان مسلمانان تایلند، به ارتباط این نهاد‌های آموزشی با برخی از مراکز آموزشی در کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی و تأثیر وهابیت در سیاست‌گذاری‌های آموزشی مسلمانان در جنوب تایلند پرداخته و کم و بیش به تأثیر این سیاست‌ها در گرایش مسلمانان این منطقه به افراطی‌گری پرداخته است. یکی از پرکارترین پژوهش‌گران اندونزیایی در زمینه تاریخ و فرهنگ مسلمانان در جنوب شرق آسیا، عظیم‌مردی عذرا^۳ است. وی که استاد تاریخ دانشگاه اسلامی دولتی جاکارتا است^۴ در کتاب‌ها و مقالات خویش بر معرفی چهره مدارا محور و صلح‌جوی اسلام در جنوب شرق آسیا، تأکید فراوان دارد. او در نوشته‌های خویش از جمله در مقالات "بالی و اسلام در جنوب شرق آسیا: ابطال افسانه‌ها"^۵ و "اسلام در جنوب شرق آسیا: مدارا محوری و افراطی‌گری"^۶ و کتابچه "اسلام در جنوب شرق آسیا: بین مدارا محوری و افراطی‌گری"^۷ کوشیده است ضمن معرفی اسلام میانه‌رو و مدارا محور در جنوب شرق آسیا و مخالفت با انتساب اقدامات تندروانه و افراط‌گرایانه به مسلمانان، خطر نفوذ برخی از اندیشه‌های افراطی اسلامی در جنوب شرق آسیا را نیز گوش زد کند. عذرا در آثار خویش به تبیین گسترش موج اسلام‌خواهی در جنوب شرق آسیا نیز توجهی ویژه دارد.

1. Muslim resistance in Southern Thailand and southern Philippines: religion, ideology and politics

2. Islam, education and reform in Southern Thailand

3. Azyumardi Azra

4. State Islamic University, Jakarta

5. Bali and Southeast Asian Islam: Debunking the Myths

6. Islam in Southeast Asia: tolerance and radicalism

7. Islam in Southeast Asia: Between Tolerance and Radicalism

به رغم توجه پژوهش‌گران غربی و مسلمان به موضوع اسلام در جنوب شرق آسیا، در میان محققان فارسی‌زبان توجه چندانی به این موضوع نشده است. حتی هیچ‌یک از آثار پژوهش‌گران برجسته این حوزه مطالعاتی نیز به زبان فارسی برگردانده نشده است. شاید یکی از مشهورترین آثار ترجمه شده به فارسی، مجموعه مقالاتی باشد که تحت عنوان *اسلام در جنوب شرق آسیا* به توسط محمدمهدی حیدرپور به فارسی ترجمه شده است. از این رو، مطالعه ویژگی‌های اسلام در جنوب شرق آسیا و آشنایی با روحیه صلح‌جو و مدارا طلب مسلمانان، از آغاز ورود اسلام به این منطقه تا کنون و تأثیری که فعالیت‌های برخی از گروه‌های افراطی و تندرو چون وهابیان و سلفی‌ها، در گذار جنوب شرق آسیا از اسلام مدارا محور به اسلام افراطی داشته است، ضروری است.

جنوب شرق آسیا منطقه‌ای است که در شرق شبه‌قاره هند و جنوب چین واقع است و امروزه یازده کشور را در برمی‌گیرد. این منطقه پهناور از لحاظ جغرافیای طبیعی، سیاسی، انسانی و دینی بسیار متنوع است. از این رو، در بررسی هر پدیده فرهنگی در این منطقه به ویژه تاریخ و فرهنگ اسلامی، باید این گوناگونی و تنوع را مدنظر داشت. به رغم گوناگونی طبیعی و فرهنگی در جنوب شرق آسیا، به نظر می‌رسد دین اسلام در مرحله ورود، گسترش، تثبیت و حتی تشکیل حکومت‌های اسلامی و چه در دوره معاصر و تشکیل کشورهای مستقل، از الگوهای نسبتاً ثابت و مشترکی در سراسر این منطقه برخوردار بوده است. مهم‌ترین تمایز اسلام در جنوب شرق آسیا با بیش‌تر سرزمین‌هایی که در آسیا و آفریقا و اروپا از قرن نخست تا پایان قرن هفتم هجری، به قلمرو مسلمانان پیوستند و در محدوده دارالاسلام قرار گرفتند، این بود که در جنوب شرق آسیا، اسلام بدون لشکرکشی و تاخت‌وتاز نظامی نفوذ و گسترش یافت. یکی از اصلی‌ترین راه‌های انتقال اسلام به جنوب شرق آسیا تجارت و بازرگانی بود. این منطقه که در مسیر تجاری میان مسلمانان و چینیان قرار داشت، از نخستین قرون اسلامی مورد توجه بازرگانان عرب، ایرانی و سپس هندی قرار گرفت. بازرگانان در مناطق ساحلی به ویژه در سواحل بنادر بزرگ غربی و جنوبی چون سوماترا و جاوه، جوامعی مسلمان‌نشین ایجاد کردند. این جوامع مسلمان‌نشین به ویژه از قرن هفتم هجری و با افزایش مراودات بازرگانی، علاوه بر مناطق ساحلی، موجب گسترش اسلام در دیگر جزایر و مناطق جنوب شرق آسیا شدند (Arnold, ۱۹۱۳: ۳۶۳-۳۷۱). تصوف دومین شاهراه انتقال اسلام به جنوب شرق

آسیا بود. صوفیان مسلمانی که برای تبلیغ و ترویج آداب و عقاید سلسله خویش یا به دلایل دیگر، از حدود قرن ششم هجری به جنوب شرق آسیا مهاجرت کردند، بزرگ‌ترین نقش را در نفوذ و گسترش اسلام در این منطقه داشتند. در میان همه معتقدات و آداب عرفا و صوفیان، شاید آنچه بیش‌ترین سهم را در اسلام‌پذیری ساکنان این مناطق داشت، اندیشه وحدت وجود ابن عربی بود. هم‌خوانی میان اندیشه وحدت وجود و برخی از معتقدات بوداییان و هندوان، که ریشه‌های عمیقی در میان مردم داشت، از دلایل اصلی توجه به آموزه‌های صوفیان مسلمان و پذیرش اسلام بود. فعالیت صوفیان مسلمان که از قرون نخستین اسلامی در جنوب شرق آسیا آغاز شده بود، در قرون ششم و هفتم هجری شدت گرفت، در قرون نهم تا یازدهم به اوج خود رسید و تا امروز نیز ادامه دارد (Azra, ۱۹۹۷: ۱۶۸, ۱۷۶; Cederroth, ۱۹۹۹: ۲۶۵; Baldick, ۲۰۰۰: ۱۶۳).

ویژگی‌های دینی و فرهنگی جنوب شرق آسیا پیش از ورود اسلام و چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در این منطقه در کنار دوری این مجمع‌الجزایر از سرزمین‌های اصلی و مرکزی اسلامی چون جزیره‌العرب و ایران، موجب شده که اسلام این مناطق دارای ویژگی‌های خاص و گاه منحصر به فردی باشد. برخی از برجسته‌ترین ویژگی‌های اسلام در جنوب شرق آسیا، دست‌کم تا اوایل قرن سیزدهم/نوزدهم به قرار زیر است:

اول: به‌رغم این‌که بیش‌تر مردم در جنوب شرق آسیا بر مذهب شافعی‌اند، اسلام این منطقه اسلامی صوفیانه است. جهان‌بینی، معتقدات و حتی آداب و رسوم مسلمانان در این منطقه با تصوف به هم گره خورده است.

دوم: شناخت مسلمانان از اسلام و آشنایی آن‌ها با تعالیم و آموزه‌های اسلامی، دست‌کم تا دو سده اخیر بسیار سطحی و کم‌عمق بوده است. اسلام در این منطقه در واقع ترکیبی از اسلام، هندوئیسم و بودایی و همانند پوسته‌ای بوده که بر معتقدات و باورهای بومی مسلمانان کشیده شده است (Azra, ۲۰۰۸: ۲-۴; Houben, ۲۰۰۳: ۱۵۶).

سوم: گسترش اسلام صوفیانه، در اقلیت بودن مسلمانان در بیش‌تر مناطق و معاشرت درازمدت با بوداییان، هندوان، مسیحیان و دیگر گروه‌ها و نحله‌های دینی موجب شده است که مسلمانان این منطقه افرادی روادار، مدارا‌پیشه و میانه‌رو باشند. صلح‌جویی و مدارا‌طلبی و پرهیز از افراط‌گرایی بزرگ‌ترین ویژگی اسلام در جنوب شرق آسیا تا امروز بوده است (Arnold, ۱۹۱۳: ۳۷۶; Azra, ۲۰۰۵: ۱۳-۱۴).

پس از ظهور وهابیت در نیمه دوم قرن هیجدهم و سپس گسترش و نفوذ آن در جنوب شرق آسیا در قرون نوزدهم و بیستم و در پی تحولاتی که به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم در اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای مسلمان در خاورمیانه رخ داد، چهره سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اسلام در جنوب شرق آسیا نیز به آرامی تغییر کرد و در کنار افزایش آگاهی‌های دینی مسلمانان، به تدریج برخی از ویژگی‌های سیاسی و فرهنگی اسلام، دست‌خوش دگرگونی شد. گذار از اسلام صلح‌طلب و مدارا محور و افزایش گرایش به سوی اسلام افراطی و تندرو و آنچه که امروز رادیکالیسم اسلامی خوانده می‌شود، شاید مهم‌ترین تغییر در چهره اسلام در جنوب شرق آسیا به ویژه در چند دهه اخیر باشد. ظهور برخی از گروه‌های مسلمان افراطی و جهادی در نیمه دوم قرن بیستم و تلاش آن‌ها برای ایجاد حکومت اسلامی، پناه گرفتن شماری از گروه‌های تروریستی در کشورهای جنوب شرق آسیا از جمله تایلند و فیلیپین و افزایش دخالت‌های مسلمانان این منطقه در برخی از حوادث جهانی و منطقه‌ای چون جنگ میان شوروی و افغانستان، موجب شده که برخی از تحلیل‌گران و ناظران سیاسی، جنوب شرق آسیا را جبهه دوم جنگ علیه تروریسم در آغاز قرن بیست و یکم به شما آورند (Gershman, ۱۶۶-۱۶۵: ۲۰۰۳; Houben, ۶۰-۶۱: ۲۰۰۲). هر چند که امروزه نیز هم‌چنان، روحیه تسامح و تساهل و مدارا طلبی بر اسلام جنوب شرق آسیا غالب است، نگارنده معتقد است که فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی وهابیان و گروه‌های سلفی آرام‌آرام در حال تغییر این روحیه و افزایش تندروی و یک‌جانبه‌نگری در منطقه است. با توجه به رشد رادیکالیسم اسلامی در خاورمیانه و کشورهای عربی در دو دهه اخیر و نیز نظر به این‌که جنوب شرق آسیا، شمار زیادی از مسلمانان جهان را در خود جای داده است، گسترش افراط‌گرایی و به حاشیه رفتن صلح‌جویی و مدارا طلبی در این منطقه، خطری است که ممکن است علاوه بر جنوب شرق آسیا، دیگر کشورهای اسلامی را نیز با تهدید جدی روبه‌رو سازد. از آن‌جا که وهابیت و سلفی‌گری با حمایت عربستان سعودی نقشی محوری و تعیین‌کننده در افزایش گرایش‌های افراطی و تندروانه در جنوب شرق آسیا دارد، این مقاله به تأثیر وهابیت تحت حمایت عربستان سعودی در ایجاد و تقویت افراط‌گرایی اسلامی خواهد پرداخت. پیش از آن یادآوری دو نکته ضروری است:

۱. وهابیت و سلفی‌گری در طول تاریخ خود، تحولات زیادی را از سر گذرانده و

دست خوش تغییراتی در نظر و عمل شده است. در جنوب شرق آسیا نیز این اندیشه در مدت بیش از دو قرن حضور، از تلاش برای ایجاد اصلاحات در دین و زدودن اسلام از خرافات و ناراستی‌ها و مبارزه با استعمار تا تکفیر مسلمانان غیروهابی و سخت‌گیری بر اقلیت‌های مسلمان دیگر چون شیعیان را در کارنامه خود دارد. از این رو، نمی‌توان و نباید همه اقدامات پیروان این اندیشه را در جنوب شرق آسیا، یک‌جا رد یا قبول کرد.

۲. در این مقاله از همه کشورهای جنوب شرق آسیا به چهار کشور اندونزی، مالزی، تایلند و فیلیپین بسنده شده است به دو دلیل: اولاً بیش از ۲۵ میلیون تن یعنی بیش‌ترین جمعیت مسلمان جنوب شرق آسیا در این کشورها ساکن‌اند و ثانیاً تاریخ نفوذ و گسترش اسلام و نیز کارنامه فعالیت‌های وهابیت در این چهار کشور، همانندی زیادی دارد.

وهابیت در جنوب شرق آسیا در دوره استعمار

هر چند تاریخ سیاسی کشورهای جنوب شرق آسیا پیش از استقلال، بیش و کم با هم متفاوت است، اما این کشورها از قرن هفدهم تا میانه قرن بیستم تحت سلطه کشورهای استعمارگر اروپایی از جمله هلند، انگلیس و اسپانیا قرار داشتند. این دوره که از قضا مصادف با شکل‌گیری اندیشه وهابیت و افزایش گرایش به آن در برخی از کشورهای اسلامی بود، دوره نفوذ این اندیشه در جنوب شرق آسیا نیز به شمار می‌رود. از قرن هیجدهم نهضتی در جنوب شرق آسیا در میان دانشمندان مسلمان شکل گرفت که هدف آن تصفیه اسلام و زدودن آن از اندیشه‌های خرافی و نادرستی بود که در اثر معاشرت مسلمانان با پیروان ادیان و نحله‌های رایج در این منطقه وارد اسلام شده بود. از سوی دیگر از این دوره شمار حج‌گزاران جنوب شرق آسیا رو به فزونی نهاد و ارتباط جنوب شرق آسیا با حجاز بیش‌تر شد. از این رو، اندیشه وهابیت که به تازگی در حجاز شکل گرفته بود برای تصفیه اسلام، به سرعت به یاری مسلمانان جنوب شرق آسیا شتافت. در واقع اندیشه وهابیت از این دوره به اصلی‌ترین محرک مسلمانان جنوب شرق آسیا برای افزایش آگاهی‌های دینی، پیراستن دین از التقاط و بازگشت به اسلام اصیل تبدیل شد و اندیشه‌های اصلاحی و احیاگرانه در جنوب شرق آسیا از همان آغاز با اندیشه‌های وهابی همراه شد (میلنر، ۱۳۷۱: ۷۳، ۲۳۶: ۲۰۹، Mansurnoor). البته اندیشه‌های اصلاحی از جانب همه مسلمانان مورد پذیرش قرار نگرفت و دانشمندان و

فعالان دینی مسلمان به دو گروه تقسیم شدند. گروه اصلاح طلب و تصفیه خواه متمایل به وهابیت که به سازمان جوانان^۱ مشهور شدند و گروه طرف دار اسلام سنتی صوفیانه که سازمان سال خوردگان^۲ خوانده شدند (۹۵: ۲۰۰۹; Liow, ۲۰۰۳: ۲-۳; Desker, ۲۰۰۲).

از نخستین جنبش های اصلاح گر و متأثر از وهابیت، جنبش معروف به پادری ها^۳ (روحانیان) بود که از ۱۸۰۳ تا ۱۸۳۷ در مینانگ کابائو^۴ در سوماترای غربی شکل گرفت. این جنبش به توسط سه تن از دانشمندان مسلمانی که در مکه درس خوانده بودند به راه افتاد و هدف آن تشکیل حکومت اسلامی و زدودن اسلام از خرافات و عقاید و آداب التقاطی بود. این جنبش هر چند پس از جنگ های ویران گر و کشتارهای زیاد، از جانب هلندی ها سرکوب شد، اما تأثیر شگرفی در ترویج افراط گرایی و رادیکالیزه کردن اسلام در جنوب شرق آسیا داشت. پادری ها به اشاعه اندیشه هایی چون حرمت توسل به بزرگان دینی و مقابله با مست خواری و قماربازی پرداختند و کسانی را که مخالف اندیشه و راه و رسم آن ها رفتار می کردند به شدت مورد اذیت و آزار و حتی کشتار قرار دادند. آن ها پوشیدن لباس سفید عربی را اجباری کردند، زنان را واداشتند که صورت های خود را پوشانند و مقرر کردند که مردان باید ریش بلند بگذارند؛ آراستن بدن به زیورآلات زرین و پوشیدن لباس های ابریشمین را قدغن کردند و به جا آوردن نمازهای پنج گانه را اجباری کردند. هر کس نخستین بار نماز را ترک می کرد جریمه می شد و برای بار دوم سزای او مرگ بود. روستاهای مخالفان سوزانده و ساکنان آن قتل عام می شد و اموالشان به عنوان غنیمت گرفته می شد. رهبران این جنبش برای نخستین بار جهاد علیه مسلمانانی را که به زعم آن ها برخلاف اسلام اصیل رفتار می کردند، جایز دانستند (-۳۷۱: ۱۹۱۳, Arnold, ۱۹۹۵, S. V. Padri, ۱۳-۱۴: ۲۰۰۵; Ibid, ۴۶-۴۷: ۲۰۰۳; Azra, ۳۷۲).

علاوه بر پادری ها، تقریباً همه سازمان ها و نهضت های اسلامی اصلاح گر و به اصطلاح Kaum Muda در جنوب شرق آسیا در دوره استعمار، مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر وهابیت قرار داشتند. از جمله مهم ترین و تأثیرگذارترین این نهضت ها، سازمان

-
- 1 . Kaum Muda
 - 2 . Kaum Tua
 3. Padris
 4. Minangkabau

محمدیه بود که در ۱۹۱۲ در جاوه اندونزی تأسیس شد. بنیان‌گذار این سازمان حاجی احمد دحلان (۱۸۶۸-۱۹۲۳) روحانی اصلاح‌طلب اندونزیایی بود که در دهه‌های هشتاد و نود قرن نوزدهم حدود سه سال در مکه دانش‌های دینی را فراگرفته بود. هر چند که احمد دحلان و سازمان وی در شیوه‌های رفتاری و معتقدات خویش با پادری‌ها تفاوت زیادی دارند و برای ایجاد هم‌گرایی و هم‌خوانی میان اسلام و مدرنیسم تلاش‌های زیادی کرده‌اند، اما بی‌شک این سازمان در گسترش برخی از آموزه‌ها و اندیشه‌های وهابی چون تکیه بر توحید و پرهیز از شرک در جنوب شرق آسیا، سهم زیادی داشته است. محمدیه که به عنوان سازمانی دینی و غیرسیاسی تا امروز فعال است در دوره فعالیت خود در یک سده گذشته، با تأسیس مراکز آموزشی و خیریه گوناگون، توجه شمار زیادی از مسلمانان را به خود جلب کرده است (Noer, ۱۹۷۸: ۷۳-۷۵; Desker, ۲۰۰۲: ۳; Esposito, S.V. Muhammadiyah).

از جمله عوامل دیگری که به گسترش نفوذ وهابیت و پذیرش آن از جانب دانشمندان مسلمان و مردم در این دوره یاری رساند، تسلط استعمارگران بر این منطقه و محروم ساختن بسیاری از مردم و به‌ویژه مسلمانان از حقوق مادی و معنوی خویش بود. وهابیت بر اندیشه جهاد و مبارز با استعمارگران تأکید زیادی داشت و طبیعی بود که این اندیشه، بر مسلمانان که به دنبال راهی برای رهایی از چنگال استعمار بودند، تأثیر عمیقی داشته باشد. در واقع اندیشه‌های وهابی از نظر مسلمانان جنوب شرق آسیا در این دوره، دروازه‌ای برای رهایی از استعمار و دستیابی به حقوق خویش بود. این مسأله تا اواخر قرن نوزدهم به گونه‌ای فزاینده به رشد اسلام‌خواهی کمک کرد تا جایی که در گزارش‌های برخی از اروپائیان اذعان شده که جمعیت بومی جنوب شرق آسیا به تدریج در حال تبدیل شدن به گروهی مسلمان است تا اقوامی مالایی (میلنر، ۱۳۷۱: ۷۶; Azra, ۲۰۰۳: ۴۷).

وهابیت در جنوب شرق آسیا پس از استقلال کشورها

از میانه قرن نوزدهم میلادی و در پی تحولات سیاسی و اجتماعی که در جنوب شرق آسیا و نیز در دیگر کشورهای اسلامی به‌ویژه در خاورمیانه رخ داد، ارتباط وهابیت با این منطقه دست‌خوش تغییرات جدی شد. وهابیت از این دوره چه در شیوه‌های تبلیغی و

چه در باورها و اعتقادات، تحولی بزرگ را از سر گذرانند و از اندیشه‌ای اصلاح‌گر و تصفیه طلب به ایدئولوژی سیاسی عربستان سعودی برای نفوذ هر چه بیش‌تر بر مسلمانان سراسر جهان و جلب منافع گروه‌های خاص و تأثیرگذاری بر جریان تحولات و حوادث سیاسی و اجتماعی در دنیای معاصر تبدیل شد. در جنوب شرق آسیا نیز تحولاتی رخ داد که از یک سو امکان فعالیت‌های دینی و سیاسی مسلمانان را افزایش داد و از سوی دیگر موجب ارتباط و پیوند وسیع‌تر و سریع‌تر مسلمانان این منطقه با دیگر مسلمانان جهان شد. کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین و تایلند همگی در دهه‌های میانی قرن بیستم به استقلال سیاسی دست یافتند. پس از استقلال، در بیش‌ترین کشورهای جز در مقاطعی کوتاه و زودگذر، مسلمانان از آزادی دینی و سیاسی بیش‌تری برخوردار شدند و توانستند با مسلمانان به‌ویژه در مصر و عربستان سعودی مراودات دینی و علمی گسترده‌ای داشته باشند. شمار حج‌گزاران و نیز مسلمانانی که برای فراگیری دانش‌های اسلامی راهی مصر و عربستان شدند در نیمه دوم قرن بیستم به شدت رو به فزونی نهاد و شهرهای مکه و مدینه به قله آمال دانشجویان مسلمان شرق آسیا برای ادامه تحصیل، تبدیل شد. به علاوه مسلمانان ساکن در کشورهای جنوب شرق آسیا نیز در سایه رشد و گسترش وسایل ارتباط جمعی، با یک‌دیگر ارتباط بیش‌تری برقرار کردند به‌گونه‌ای که برخی از گروه‌های دینی و سیاسی فعال در این کشورها، به فکر ایجاد حکومت اسلامی در مناطق مسلمان‌نشین افتادند. همه این حوادث موجب شد که در نیمه دوم قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم جنوب شرق آسیا به یکی از پایگاه‌های اصلی گروه‌های اسلامی تندرو تحت حمایت گسترده مادی و معنوی عربستان سعودی تبدیل شود.

حوادثی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم در جهان اسلام و در خاورمیانه رخ داد نیز از یک سو تشدید فعالیت وهابیت در جنوب شرق آسیا را در پی داشت و از سوی دیگر گروه‌ها و احزاب مسلمان این منطقه را به سوی افراط‌گرایی و رادیکالیزه کردن اسلام، رهنمون شد. برخی از مهم‌ترین این حوادث عبارت بود از:

۱. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹، از آن جا که این انقلاب در کشوری شیعی مذهب و به رهبری علما شیعی به پیروزی رسیده بود، موجب هراس عربستان سعودی و تشدید فعالیت‌ها و تبلیغات وهابی برای مقابله با نفوذ ایران به‌ویژه در جنوب شرق آسیا شد (۵۵، ۱۸، ۲۰۰۷؛ Abuza، ۹۶؛ ۲۰۱۱؛ Noorhadi Hasan).

۲. حمله شوروی به افغانستان و اشغال این کشور از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸ به بهانه مقابله با مجاهدان افغان و حمایت از حکومت کمونیستی آن کشور موجب شد که بسیاری از مسلمانان جنوب شرق آسیا که بیش تر آن‌ها در عربستان تحصیل کرده بودند، برای جهاد علیه شوروی به مجاهدان افغانی بپیوندند. این گروه‌ها که به شدت با اندیشه جهادی ملهم از تعالیم وهابی برانگیخته شده بودند، پس از پایان جنگ افغانستان به کشورهای خویش بازگشتند، اما اندیشه جهادی و مبارزه خواهی خود را فراموش نکردند و با شدت و سرعت به تشکیل گروه‌های جهادی و سیاسی و تلاش برای گسترش اندیشه‌های وهابیت همت گماشتند. برخی از این مبارزان چون رهبر گروه ابوسیف در فیلیپین که مبارزه را در افغانستان آغاز کرده بود، پس از بازگشت به کشور خود، هدایت تندروترین گروه‌ها را بر عهده گرفتند (Noorhadi Hasan, ۲۰۱۱: ۲۵۷; Mansurnoor, ۲۰۰۹: ۲۱; Singh, ۲۰۰۷: ۹۸-۹۶).

۳. اقدامات آمریکا در خاورمیانه به ویژه در دو دهه اخیر نیز بر رشد افراطی‌گری و افزایش نفوذ وهابیت در جنوب شرق آسیا، تأثیر زیادی داشته است. جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ و حمله آمریکا و متحدانش به کویت و عراق و تحرکات خصمانه آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چون حمله به افغانستان و عراق، علاوه بر تشدید روحیه افراط‌گرایی و سوق دادن گروه‌های اسلامی در جنوب شرق آسیا به سوی اقدامات تروریستی و تلافی جویانه، زمینه را برای رشد فعالیت‌های وهابیت با حمایت‌های پیدا و پنهان عربستان سعودی فراهم کرد (Houben, ۲۰۰۳: ۴۵-۴۶; Azra, ۲۰۰۳: ۶۰-۶۱; Gershman, ۲۰۰۲: ۹۸; Noorhadi Hasan, ۲۰۱۱). در کنار این حوادث خارجی، مقابله برخی از مسلمانان در جنوب شرق آسیا با دولت‌های سکولار و مبارزه گروهی دیگر به ویژه در کشورهای تایلند و فیلیپین با دولت‌ها و تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی، موجب شده است که وهابیت و عربستان سعودی به منظور یاری رساندن به مسلمانان، دخالت بیش تری در این منطقه داشته باشند (Terrorism in Southeast Asia, ۲۰۰۹: ۲; Desker, ۲۰۰۲: ۱۵).

هر چند گسترش افراط‌گرایی اسلامی و افزایش شمار گروه‌ها و مؤسسات اسلامی تندرو و گاه خشونت طلب را در جنوب شرق آسیا نمی‌توان یکسره حاصل تلاش‌های وهابیت و حکومت عربستان سعودی دانست، و بی‌شک عوامل گوناگونی در کشاندن برخی از

مسلمانان به سوی تندروی دخیل‌اند، اما شکی نیست که فعالیت‌های وهابیان و کمک‌های مادی و معنوی عربستان به گروه‌های اسلامی، یکی از عوامل مهم و اصلی رشد رادیکالیسم اسلامی در این منطقه است. با این حال اقدامات وهابیان و حکومت سعودی در جنوب شرق آسیا را هم نباید یک‌سره و به‌طور کامل برای مسلمانان جنوب شرق آسیا زیان‌بار دانست. زیرا به هر رو این اقدامات در کنار لطمه سختی که به روحیه مدارا طلب و صلح‌جوی مسلمانان این منطقه وارد کرده است، از سویی موجب رشد آگاهی‌های دینی مسلمانان شده و از سوی دیگر کمک‌های مادی عربستان و سازمان‌ها و نهادهای خیریه وهابی، امکان زندگی بهتر و بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی و تحصیلی را برای مسلمانان فقیر این منطقه فراهم کرده است. در ادامه این مقاله به برخی از فعالیت‌های عربستان سعودی، سازمان‌ها و نهادهای وهابی به منظور گسترش اندیشه وهابیت در جنوب شرق آسیا، پرداخته خواهد شد. این فعالیت‌ها گستره وسیعی را در حوزه‌های علمی، سیاسی، اجتماعی و نظامی در برمی‌گیرد:

آموزش

مدارس اسلامی سنتی که از قرن هجدهم و شاید پیش از آن در جنوب شرق آسیا متولی ارائه‌تعالیم و آموزش‌های دینی به مردم بوده‌اند، در جاوه پسانترن^۱، در سوماترا سوراو^۲، در جزیره مالی پوندک^۳ و در فیلیپین پوندیتا^۴ خوانده می‌شدند (Esposito, S.V.). یکی از نخستین مراکزی که توجه وهابیان را برای ترویج اندیشه‌های خویش در میان مسلمانان منطقه، به خود جلب کرد، همین مراکز آموزشی بود. وهابیان به این مدارس و حوزه‌های علمی، کمک‌های مادی و معنوی زیادی کردند. آن دسته از دانش‌آموختگان پوندک‌ها که دوست داشتند به جرگه علما بپیوندند، برای ادامه تحصیل به شهرهای مکه و مدینه فرستاده می‌شدند. این افراد پس از فراگیری دانش‌های دینی به عنوان شیخ و صوفی به زادگاه خویش بازمی‌گشتند و هدایت این مدارس و تدریس

-
1. Pesantren
 2. Surau
 3. Pondok
 4. Pondita

در آن‌ها را بر عهده می‌گرفتند. مسلمانان اصلاح طلب مشهور به Kuma Muda بیش‌تر، همین افرادی بودند که از سفر جزیره العرب بازگشته بودند (۱۴- ۲۰۱۰، Abdul Hamid, ۱۶, ۱۵).

وهابی‌ان در کنار حمایت از مدارس سنتی اسلامی که تنها به ارائه آموزش‌های دینی می‌پرداختند، پس از تشکیل کشور عربستان سعودی و به‌ویژه در سه چهارم دهه اخیر، اقدام به ایجاد مراکز آموزشی و مدارس در کشورهای گوناگون شرق آسیا کرده‌اند. این مدارس که علاوه بر دانش‌های دینی و اسلامی برخی از دانش‌های جدید را نیز در برنامه درسی خود دارند، عمدتاً از امکانات آموزشی و رفاهی بسیار خوبی برخوردارند که با توانمندی‌ها و امکانات اقتصادی و رفاهی مناطقی که در آن تأسیس شده‌اند، فاصله بسیار زیادی دارد. آموزش در این مراکز بیش‌تر بر روی افرادی متمرکز است که اصل عربی دارند و قادر به پرداخت هزینه‌های تحصیل خود نیستند (Bond And Simons, ۱۰۱-۹۹: ۲۰۱۱; Noorhadi Hasan, ۴۵: ۲۰۰۹). بسیاری از پژوهش‌گران و نیز برخی از گزارش‌های سرویس‌های امنیتی، این مدارس را یکی از اصلی‌ترین مراکز گسترش اسلام افراطی در جنوب شرق آسیا به‌شمار می‌آورند.

در ایالت‌های مسلمان‌نشین جنوب تایلند امروزه دست‌کم بیست باب مدرسه ساخت عربستان و مروج اندیشه‌های وهابی، فعال است. این مدارس دارای امکانات آموزشی و رفاهی بسیار مناسبی‌اند. معلمان این مدارس بیش‌تر در عربستان تحصیل کرده‌اند و هزینه کامل تحصیل در این مدارس را نهادهای خیریه وهابی یا دولت عربستان پرداخت می‌کنند (Liow, ۲۰۰۹: ۹۳-۹۴). اما مهم‌ترین مرکز آموزشی مرتبط با تعالیم وهابی و سلفی در تایلند، دانشگاه یالا/جالا در شهر یالا/جالا در جنوب این کشور است. این مرکز آموزشی در ۱۹۸۸ میلادی به‌توسط اسماعیل لطفی مشهور به جافاکیا که در ۱۹۸۶ میلادی در رشته فقه از دانشگاه امام محمد بن سعود در ریاض فارغ‌التحصیل شده است، به‌صورت کالج ایجاد شد و در ۲۰۰۷ میلادی به دانشگاه تبدیل گردید. اسماعیل لطفی که در پارلمان تایلند نیز عضویت دارد، بی‌شک مشهورترین عالم مسلمان در تایلند است. این دانشگاه دارای پنج دانشکده، هجده دپارتمان و بیش از سه هزار دانش‌جوی پسر و

دختر از کشورهای گوناگون چون چین، ویتنام، مالزی، سودان، ایران، مصر و پاکستان در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد است. در این دانشگاه علاوه بر علوم دینی و اجتماعی به دانش‌های جدید نیز پرداخته می‌شود. هزینه کامل این دانشگاه از جانب عربستان و برخی دیگر از کشورهای عربی چون قطر و کویت تأمین می‌شود. دانش‌جویان این دانشگاه با زبان و پوشش عربی به فراگیری فقه و شریعت مشغول‌اند. دانش‌آموختگان این دانشگاه در کشور تایلند به ویژه ایالت‌های جنوبی، پست‌های مهمی در اختیار دارند و برخی از آن‌ها نیز جذب گروه‌های اسلامی تندرو می‌شوند. برخی از پژوهش‌گران سهم مهمی برای این دانشگاه در گذار تایلند و جنوب شرق آسیا از اسلام میانه‌رو به اسلام افراطی قائل‌اند (Bradley (۲۰۰۴; Liow, ۲۰۰۶: ۴۷; Rabasa, non date: ۱۰۴-۱۰۵).

در اندونزی نیز از ۱۹۸۰ مدارس سلفی مورد حمایت وهابی‌ها و عربستان گسترش چشم‌گیری داشته‌اند. این مدارس اغلب نام‌های عربی دارند و در شهرهای مختلف کشور پراکنده‌اند (Noorhadi Hasan, ۲۰۱۱: ۹۵-۱۰۱). یکی از این مدارس در محله‌ای شلوغ در جاکارتا قرار دارد، همه هزینه‌های آن را عربستان می‌پردازد و معلمانی از عربستان، به دانش‌آموزان، زبان عربی می‌آموزند. متولیان مدرسه قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای دانش‌آموزان وضع کرده‌اند. آن‌ها باید لباس عربی بپوشند و با هیچ مرکز آموزشی دیگر ارتباط نداشته باشند (Perlez, ۲۰۰۳).

در مالزی مهم‌ترین مرکز آموزشی تحت نفوذ عربستان دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی^۱ است. این دانشگاه با مراکز علمی و فرهنگی عربستان سعودی روابط گسترده‌ای دارد و هر سال سمینارهای مشترک گوناگونی با همکاری مراکز علمی عربستان، در زمینه‌های مختلف از جمله برای ترویج زبان عربی در مالزی، در این دانشگاه برگزار می‌شود.

از جمله مسائلی که وهابی‌ها اهمیت زیادی برای آن قائل‌اند ترویج زبان عربی در جنوب شرق آسیا و تلاش برای افزایش شمار مسلمانانی است که بتوانند از طریق این زبان با عربستان سعودی و مراکز آموزشی و خیریه وهابی به خوبی ارتباط برقرار کنند. برای مثال، عربستان از دهه ۱۹۸۰ دو مرکز به نام‌های مؤسسه مطالعات عربی و اسلامی^۲

1. International Islamic University Malaysia (IIUM)

2. Institute of Islamic and Arabic Studies

و مؤسسه آموزش عربی^۱ در اندونزی راه اندازی کرده است که مسؤولیت اصلی و اولیه آن‌ها ترویج زبان عربی و مجهز کردن داوطلبان تحصیل در عربستان، به زبان عربی است (Noorhadi Hasan, ۲۰۱۱: ۹۶).

عربستان سعودی علاوه بر ایجاد مراکز آموزشی در کشورهای جنوب شرق آسیا، هر ساله پذیرای شمار زیادی از دانش جویان مسلمان این کشورها برای ادامه تحصیل است. عربستان به این دانش جویان بورس کامل ارائه می‌کند. کسانی که در عربستان تحصیل می‌کنند باید به کشورهای خود برگردند و در آن جا مراکز آموزشی و مدارسی ایجاد کنند که در آن به زعم علما سلفی و وهابی، تعالیم اصیل اسلامی آموزش داده شود و مردم را قادر سازد به شیوه پیامبر ﷺ و سلف صالح زندگی کنند. دانشگاه مدینه، دانشگاه ریاض، دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود در ریاض، المعهد العالی للقضا در ریاض، دانشگاه ام القری در مکه و المعهد الصوتیه، مهم ترین دانشگاه‌های پذیرای مسلمانان جنوب شرق آسیا هستند که در آن‌ها حدیث و تفسیر و فقه و دعوت و عقاید و فلسفه به دانشجویان آموزش داده می‌شود (Liow, ۲۰۰۹: ۹۳, ۱۵۳) در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹ تنها از تایلند بیش از ۲۵۰۰ نفر در دانشگاه‌های عربستان به تحصیل اشتغال داشته‌اند. این دانش‌آموختگان پس از بازگشت به کشور خویش به دلیل جایگاه و احترامی که در میان مردم و مسلمانان پیدا می‌کنند، تأثیر و نفوذ زیادی در مسائل دینی و اجتماعی و گاه سیاسی دارند و از این رو بزرگ‌ترین مبلغان و مروجان اسلام وهابی در جنوب شرق آسیا هستند (Perlez, ۲۰۰۳: ۱۸; Abuza, ۲۰۰۷: ۱۵۴; Liow, ۲۰۰۹).

از دیگر اقدامات وهابیان برای تأثیرگذاری بر مسلمانان جنوب شرق آسیا و ترویج اندیشه‌های خویش، ترجمه کتاب‌های دینی به زبان‌های محلی و چاپ آن با شمارگان بالا و قرار دادن آن در دسترس مسلمانان با قیمت پایین است. دفتر امور دینی عربستان^۲ در جاکارتا سالانه یک میلیون جلد کتاب را از عربی به بهاسا، زبان رسمی اندونزی، ترجمه و در میان مسلمانان توزیع می‌کند (Perlez, ۲۰۰۳). به علاوه مراکز وابسته به وهابیان به مناسبت‌های گوناگون مقادیر زیادی کتاب، به صورت رایگان در اختیار مسلمانان قرار می‌دهند (میری، ۱۳۸۸: ۱۴۳، ۱۴۴).

1. Institute of Arabic Teaching

2. Saudi religious affairs office

امور خیریه

بسیاری از پژوهش‌گران بر این باورند که فقر و محرومیت‌های فرهنگی و اجتماعی و رنج‌هایی که برخی از مسلمانان جنوب شرق آسیا چون اقلیت‌های مسلمان تایلند و فیلیپین از اختلافات گروهی و فرقه‌ای در دهه‌های اخیر متحمل شده‌اند، از دلایل اصلی پیوستن آن‌ها به مراکز تحت حمایت وهابیان بوده است. این موضوع به شدت مورد توجه سیاست‌گزاران فرهنگی و اجتماعی وهابی بوده و آن‌ها بیش‌ترین فعالیت را برای جذب مسلمانان محروم کرده‌اند. از این رو، مراکز خیریه مستقر در عربستان یا تحت حمایت وهابیان و مستقر در کشورهای جنوب شرق آسیا، کوشیده‌اند فعالیت‌های خود را در مناطق محروم شهری و روستایی متمرکز کنند. برای مثال در بسیاری از محروم‌ترین و فقیرترین مناطق اندونزی، روحانیان، پلیس و مقامات نظامی محلی با تأییدپذیری از فعالیت‌های تبلیغی وهابیان با سماجت و زور به دنبال اعمال قوانین شرعی‌اند به گونه‌ای که نظام حقوقی سکولار این مناطق را به حاشیه برده‌اند. بسیاری از مسلمانانی که در این مناطق جذب فعالیت‌ها و تبلیغات وهابیان شده‌اند، کم‌ترین آگاهی و شناختی از اسلام و قوانین و احکام شرعی ندارند و تنها به دنبال برخورداری از رفاه اقتصادی بهترند. در میان کسانی که جذب گروه‌ها و احزاب مسلمان تندرو و حتی تروریستی می‌شوند نیز سهم این محرومان بیش از دیگران است (Bond And Simons, 2009: 54-58). تخمین زده شده است که عربستان در سه چهارم دهه اخیر حدود نود میلیارد دلار برای گسترش اندیشه وهابی در جهان هزینه کرده است و این پول عمدتاً صرف ایجاد مدارس، کالج‌ها و سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی در کشورهای دیگر شده است. در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۲ عربستان ۲۰۰۰ مدرسه، ۱۵۰۰ مسجد و ۲۱۰ مرکز اسلامی در کشورهای مختلف ساخته است. در کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین و جنوب تایلند فعالیت عربستان بسیار شدیدتر از دیگر کشورهای اسلامی بوده است. (Ghoshal, 2008: 3).

هیئه‌الایگاه‌الاسلامیه‌العالمیه و مؤسسه‌الحریمین‌الخیریه دو مرکز خیریه در عربستان‌اند که فعالیت‌های زیادی در کشورهای جنوب شرق آسیا به‌ویژه اندونزی دارند. بی‌شک این دو مؤسسه خیریه در زمینه ساخت مدرسه، مسجد، درمانگاه، بناهای عام‌المنفعه و گاه کمک‌های مستقیم به مسلمانان در جنوب شرق آسیا، پیش‌تاز بوده‌اند. هیئه‌الایگاه‌الاسلامیه که از میانه قرن بیستم فعالیت خود را در جده آغاز کرده است،

دارای بخش‌های گوناگون عمرانی و مهندسی، بهداشت و سلامت، رفاه اجتماعی و امور دینی و قرآنی است و نمایندگی‌هایی در کشورهای مختلف از جمله در جنوب شرق آسیا و شهر جاکارتا در اندونزی دارد (میری، ۱۳۸۸: ۱۴۵). الحرمین نیز از ۱۹۸۸ ابتدا در کراچی پاکستان و سپس در ریاض فعالیت خود را آغاز کرد و تا سال ۲۰۰۴ که به دلیل حمایت از تروریست در مناطق مختلف جهان، دفاتر آن در ریاض و دیگر کشورها بسته شد، اقدامات گسترده‌ای در حمایت از وهابیت و اسلام تندرو در جنوب شرق آسیا داشت. فعالیت‌های این مؤسسه به صورت غیررسمی تا امروز ادامه دارد (The Involvement of Salafism/wahhanism..., ۲۰۱۳:۸).

برخی از مراکز خیریه دیگر نیز در کشورهای جنوب شرق آسیا برای ترویج اندیشه وهابی در سال‌های اخیر تشکیل شده‌اند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طرف عربستان یا مراکز وهابی مستقر در عربستان حمایت می‌شوند. از جمله این مراکز می‌توان به دیوان الدعوه الاسلامیه که در ۱۹۶۷ در اندونزی آغاز به کار کرد، کمیته پیشگیری از بحران مشهور به KOMPك که از ۱۹۸۸ در همین کشور راه اندازی شد و مرکز خیریه اصلاح در تایلند که به توسط اسماعیل لطفی ایجاد شد، اشاره کرد (Noorhadi Hasan, ۲۰۱۱: ۹۶; Lowi, ۲۰۰۶: ۴۸; The Involvement of Salafism/wahhanism..., ۲۰۱۳:۸). تبلیغی - بین‌المللی رابطه العالم الاسلام متعلق به سعودی‌ها، از دیگر مراکزی است که در سال ۱۹۶۹ دفتر خود را در جاکارتا ایجاد کرد. مسئولیت این دفتر بر عهده محمد نصیر از رهبران اسلامی اندونزی که ارتباطات نزدیک و خوبی با سعودی‌ها داشت، گذاشته شد. محمد نصیر در برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی و دینی فعالیت داشت و از جمله افراد مشهور و فعال در جذب کمک‌های مالی عربستان برای فعالیت‌های تبلیغی در اندونزی بود (میری، ۱۳۸۸: ۴۳).

کمک به گروه‌های اسلامی نظامی و تجزیه طلب

از میانه قرن بیستم تا امروز به ویژه در سه دهه اخیر، گروه‌های اسلامی نظامی و سیاسی زیادی در کشورهای جنوب شرق آسیا تشکیل شده‌اند که هر چند در اهداف و رویکردها متفاوت‌اند، اما در استفاده از نام اسلام برای پیشبرد اهداف خویش و جذب مسلمانان و در استفاده از خشونت برای رسیدن به مقصود، با هم مشترک‌اند. برخی از

این گروه‌ها به‌ویژه آن‌هایی که در تایلند و فیلیپین فعال‌اند، به دنبال تشکیل حکومت اسلامی در مناطق تحت نفوذ خود یا در میان همه مسلمانان شرق آسیا هستند، و گروه‌های دیگر تنها در برابر حکومت‌های سکولار کشور خود یا در برابر برخی از اقدامات اروپائیان و مسیحیان و گاه مسلمانان متعلق به دیدگاه‌های دیگر، دست به تبلیغ یا عملیات نظامی و خرابکارانه می‌زنند (Desker, ۲۰۰۲: ۱۵; Sposito, S. V. Patani United Liberation Organization; Terrorism in Southeast Asia, ۲۰۰۹: ۲,۴; Gershman, ۲۰۰۲: ۶۶). برخی از این گروه‌ها با گروه‌های تروریستی شناخته شده و بزرگ چون طالبان و القاعده همکاری دارند و بیش‌تر بنیان‌گذاران این گروه‌ها از اعضا وابسته به طالبان و القاعده و از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز علمی عربستان و وابسته به وهابیان‌اند (The Involvement of Salafism/wahhanism..., ۲۰۱۳: ۸-۹; Imtyaz Yusuf, ۲۰۰۷: ۱۸). هر چند درباره میزان و چگونگی کمک وهابیان و کشور عربستان سعودی به این گروه‌های تندرو به روشنی و با دقت نمی‌توان سخن گفت، اما گزارش‌های برخی از مراکز پژوهشی و امنیتی و نیز برخی از شواهد و قرائن، نشان‌دهنده حمایت این گروه‌ها از جانب وهابی‌ها است.

یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها الجماعة الاسلامیه است. این گروه که در ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ شکل گرفت، ریشه در یکی از گروه‌های اسلامی در اندونزی به نام دارالاسلام دارد که در میانه قرن بیستم فعالیت داشت. جماعت اسلامی در بسیاری از کشورهای جنوب شرق آسیا چون مالزی، تایلند، فیلیپین و سنگاپور و حتی پاکستان و استرالیا شاخه دارد. هر چند از سال ۲۰۰۹ بیش‌تر فعالیت‌های آن در اندونزی متمرکز شده است. این گروه از زمان تأسیس با القاعده همکاری داشته است و بخش زیادی از منابع مالی آن را القاعده تأمین می‌کند. بر اساس گزارش سرویس‌های اطلاعاتی مالزی و سنگاپور، القاعده در فاصله ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ صد و سی هزار دلار به جماعت اسلامی کمک کرده است. القاعده کمک‌های خود را از طریق سازمان‌های خیریه در عربستان و اندونزی به دست جماعت اسلامی می‌رسانده است. هیئه الاغاثه و الحرمین و KOMPAK سازمان‌های خیریه‌ای هستند که در زمینه کمک به این گروه فعالیت داشته‌اند. بخشی از منابع مالی این گروه را نیز کشورهای پاکستان و امارات متحده عربی تأمین می‌کنند. فعالیت‌های این گروه که خواستار مبارزه علیه غرب، تشکیل حکومت اسلامی در جنوب تایلند و فیلیپین و تأسیس

خلافت اسلامی در جنوب شرق آسیا است، موجب شده که کشورهایی چون آمریکا که مدعی مبارزه با تروریسم هستند در دو دهه اخیر به جنوب شرق آسیا توجه بیش تری کنند و گاه این منطقه را جبهه دوم مبارزه علیه تروریسم بدانند. به ویژه پس از حوادثی چون بمب‌گذاری در بالی در سال ۲۰۰۲ و انفجار در هتللی در جاکارتا در ۲۰۰۹ که به این گروه منسوب شد، محافل سیاسی و امنیتی بیش از پیش جماعت اسلامی را مورد توجه قرار دادند (Gershman, ۲۰۰۲: ۸; ۲۰۱۳: ۸; *The Involvement of Salafism/wahhanism...*, ۲۰۰۹: ۴-۵, ۹, ۶۶). مراکز خیریه در عربستان سعودی و القاعده، از طریق جماعت اسلامی به برخی از گروه‌های شبه نظامی فعال در جنوب شرق آسیا چون لشکر مجاهدین و لشکر جنرال‌الله در اندونزی نیز کمک‌هایی ارائه می‌کنند (Abuza, ۲۰۰۷: ۳۹, ۶۷-۷۲).

جبهه آزادی‌بخش اسلامی مورو^۱ که از ۱۹۶۰ فعالیت خود را آغاز کرده و گروه ابوسیف که در سال ۱۹۹۱ ایجاد شده است، از گروه‌های اسلامی نظامی و تندرو مورد حمایت عربستان سعودی در جنوب فیلیپین اند. بسیاری از اعضا این دو گروه دانش‌آموخته عربستان اند. اساساً فیلیپین از جمله کشورهایی است که به دلیل فعالیت شماری از گروه‌های تندرو و نظامی در جنوب این کشور، مورد توجه وهابیان و نیز گروه‌های تروریستی چون القاعده بوده است. اسامه بن لادن، محمد جمال خلیفه از بستگان نزدیک خود را برای ایجاد شاخه‌ای از القاعده در فیلیپین به این کشور فرستاده بود. هیئه الاغاثه از جمله سازمان‌هایی بود که به القاعده فیلیپین کمک مالی می‌کرد. یکی از راه‌های نفوذ عربستان در فیلیپین و کمک به گروه‌های اسلامی، صدور چند صد هزار ویزا برای مردم فیلیپین به بهانه کار در آن کشور بود. البته برخی از این گروه‌های اسلامی فعال در فیلیپین بیش از آن که دغدغه اسلام‌خواهی داشته باشند، به دنبال دستیابی به خود مختاری اند (Gershman, ۲۰۰۲: ۶۰-۶۱, ۶۷; Singh, ۲۰۰۷: ۲۱; ۹).

سازمان آزادی‌بخش پاتان متحد (پولو)^۲ از سازمان‌هایی است که از ۱۹۶۰ به منظور برپایی حکومت اسلامی در چهار ایالت مسلمان‌نشین در جنوب تایلند، تشکیل شده

1. Moro Islamic Liberation Front

2. Patani United Liberation Organization (PULO)

است. این سازمان در دو دهه آغاز فعالیت خود به شدت مورد حمایت عربستان قرار داشت و حتی مرکز سیاست‌گذاری آن در مدینه بود و شمار زیادی از مسلمانان پاتانی در عربستان زندگی می‌کردند، هر چند عربستان از ۱۹۸۰ تلاش‌هایی برای بیرون راندن آن‌ها انجام داد. فعالیت پولو در جنوب تایلند و حمایت وهابی‌ها از آن موجب شده که سلفی‌گری و وهابیت در دهه‌های اخیر رشد چشم‌گیری در این منطقه داشته باشد به گونه‌ای که به تدریج اختلافات شدید قومی و گروهی در جنوب تایلند جای خود را به اختلاف میان مسلمان و غیرمسلمان داده است (Imtiyaz Yusuf, ۲۰۰۷: ۴۷; Liow, ۲۰۰۶: ۱۱-۱۲; Esposito, ۱۹۹۵: S. V. Patani United Liberation Organization).

علاوه بر گروه‌های بزرگی که نام برده شد ده‌ها گروه نظامی و شبه‌نظامی مسلمان و تندرو دیگر نیز در دهه‌های اخیر در جنوب شرق آسیا شکل گرفته که در اندیشه و ایدئولوژی متأثر از وهابیت‌اند و منابع مالی آن‌ها نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤسسه‌های وهابی و عربستان سعودی تأمین می‌شود (برای نمونه‌هایی از این گروه‌ها نک: ۲۲: ۲۰۰۷; Abuza, ۹: ۲۰۰۲; Desker, ۹۹: Rabasa, non date).

نتیجه

اسلام در جنوب شرق آسیا دارای ویژگی‌هایی متمایز از اسلام در دیگر سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران و کشورهای عربی است. از یک سو ورود اسلام به این منطقه بدون لشکرکشی و از طریق فعالیت‌های تبلیغی بازرگانان و صوفیان مسلمان صورت گرفته است و از سوی دیگر، اسلام در این منطقه به شدت دارای رنگ و بوی ادیان و نحله‌های محلی است و مسلمانان این منطقه به دلیل دوری از مراکز نخستین ظهور و گسترش اسلام، بیش از هر چیز در بند اعتقادات و آداب و رسوم پیشین خود هستند. این موضوعات موجب شده که چهره اسلام در جنوب شرق آسیا، چهره‌ای بسیار متمساح، روادار و آسان‌گیر نسبت به سایر ادیان و نحله‌ها باشد. این ویژگی اسلام در جنوب شرق آسیا، از آغاز ورود تا به امروز، به عنوان مهم‌ترین شاخصه اسلام شناخته می‌شود. امروزه نیز مسلمانان و اندیشمندان در جنوب شرق آسیا، تلاش‌های زیادی برای حفظ چهره خندان و مدارا محور اسلام انجام داده‌اند. به علاوه دانشمندان مسلمان و نیز بیش‌تر گروه‌های سیاسی و اجتماعی مسلمان، برای نشان دادن عدم مغایرت اسلام با علوم و

دانش‌های جدید و نیز هم‌خوانی و هم‌راهی اسلام با ارزش‌های امروزی چون دموکراسی و حقوق بشر، کوشش‌های درخور توجهی کرده‌اند. آموزش اصل تسامح و تساهل و مدارا و به رسمیت شناختن حق پیروان همه ادیان، از اصول مهم آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی در انواع مدارس دینی و غیردینی در نظام آموزش و پرورش کشورهای این منطقه به‌ویژه اندونزی به عنوان بزرگ‌ترین کشور مسلمان است. پانچاشیلا به معنای اصول پنج‌گانه اعتقاد به خدای یگانه، انسانیت مدنی و عادلانه، وحدت، دموکراسی از طریق مشاوره و تعاون، بنای کشور و قانون اساسی اندونزی را تشکیل می‌دهد و نخستین اصل یعنی اعتقاد به خدای یگانه برای تأمین مصالح همه گروه‌های مذهبی و پرهیز از فرقه‌گرایی و برتری‌جویی مذهبی وضع شده است. با این حال از اوایل قرن نوزدهم و با ورود اندیشه وهابیت به جنوب شرق آسیا، بخشی از مسلمانان در این منطقه به تدریج به سمت افراطی‌گری و عدم مدارا پیش رفتند. با افزایش فعالیت‌های وهابیان و حمایت‌های گسترده مادی و معنوی عربستان سعودی و مراکز خیریه و آموزشی وهابی به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم، گرایش به افراط و تندروی دینی نیز در این منطقه افزایش یافته است. امروزه هر چند اسلام مدارا محور و غیر متعصب و میانه‌رو هم‌چنان در بیش‌تر کشورهای جنوب شرق آسیا، پیش‌تاز است و اکثریت مسلمانان و اندیشمندان مسلمان پیرو این نوع اسلام‌اند، اما فعالیت‌های وهابیان با حمایت عربستان سعودی موجب شده است که اسلام افراطی و تندرو نیز به سرعت رشد کند. در چند دهه اخیر شمار زیادی از گروه‌ها و احزاب سیاسی و آموزشی و فرهنگی مسلمان در جنوب شرق آسیا شکل گرفته است که همگی متأثر از اندیشه‌های وهابی و متمایل به رفتارهای تندروانه‌اند. برخی از گروه‌های اسلامی دیگر نیز پا را فراتر گذاشته و در پی تماس با سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی چون القاعده، خشونت‌ورزی و گاه اقدامات تروریستی را ترویج و تبلیغ کرده و به آن دامن زده‌اند. این گروه‌های تندرو اسلامی موجب شده‌اند که برخی از ناظران نسبت به گسترش اسلام افراطی و انتقال جنوب شرق آسیا از اسلام میانه‌رو و مدارا طلب به اسلام تندرو و خشونت طلب و خطری که این انتقال می‌تواند برای همه جهان اسلام داشته باشد، هشدار دهند.

کتاب نامه

سید محسن میری (۱۳۸۸)، وهابیت در اندونزی، *پژوهش های منطقه ای*، شماره اول بهار ۱۳۸۸، ص ۱۴۲-۱۵۱.

آ. سی میلنر (۱۳۷۱)، *اسلام و دولت اسلامی، در اسلام در جنوب شرق آسیا*، ام. بی هوکر، ترجمه محمد مهدی حیدرپور، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

Ahmad Fauzi Abdul Hamid (۲۰۱۰), **Islamic education in Malaysia**, S. Rajaratnam School of International Studies, Singapore.

Zachary Abuza (۲۰۰۷), **Political islam and violence in Indonesia**, Routledge.

T. W. Arnold (۱۹۱۳), **The preaching of Islam, A history of the propagation of the Muslim Faith**, London, CONSTABLE & COMPANY Ltd.

Azyumardi Azra (۱۹۹۷), Education, law, mysticism: constructing social realities, in **Islamic civilization in the Malay world**, ed. Mohd. Taib Osman, Kuala Lumpur, p۵۷-۳۹.

Azyumardi Azra (۲۰۰۳), **Bali and Southeast Asian Islam: Debunking the Myths**, available in <http://www.worldscibooks.com/eastasianstudies/5438.html>.

Azyumardi Azra (۲۰۰۵), **Islam in Southeast Asia: tolerance and radicalism**, available in http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&cad=rja&uact=8&ved=0CB4QFjAA&url=http%3A%2F%2Fwww.bgu.edu2%2FSiteMedia2%2F_courses2%2Freading2%2Fart-2Islam.pdf&ei=nsDwU62WDKSg7AbUiYHYBg&usg=AFQjCNHXD7lzFOmg0mmSmowFozvX2M0Ylw&sig2=JZSYxGFaWIQ7ObljoGx3Nw

Azyumardi Azra (۲۰۰۸), **Islam in Southeast Asia: Between Tolerance and Radicalism**, Majlis Ugama Islam Singapura.

Julian Baldick (۲۰۰۰), **Mystical Islam and introduction of Sufism**,

London.

Christopher S. Bond and Lewis M. Simons(۲۰۰۹), **The Forgotten Front: Winning Hearts and Minds in Southeast Asia**, in Foreign Affairs, Vol. ۸۸, No. ۶ (November/December ۲۰۰۹), pp. ۶۳-۵۲.

John Bradley(۲۰۰۴), **Thailand's Muslim insurgency has 'Wahhabi' ties**, in The Daily Star, May ۲۰۰۴ ۶.

Sven Cederroth(۱۹۹۹), **Indonesia and Malaysia**, in Islami ousidethe Arab world, ed. David Westerlundand Ingvar Svanberg, Curzon.

Barry Desker(۲۰۰۲), **Islam and society in southeast Asia after September ۱۱**, Institute of defence and strategic studies, Singapore.

EI۲(۱۹۹۵), S. V. Padri, by Christine Dobben, E. J. Brill, Leiden.

John L. Esposito(۱۹۹۵), **The Oxford encyclopedia of the modern Islamic World**, Oxford University Press.

John Gershman(۲۰۰۲), **Is Southeast Asia the Second Front?** In Foreign Affairs, Vol. ۸۱, No. ۴ (Jul. - Aug., ۲۰۰۲), pp. ۷۴-۶۰.

Baladas Ghoshal(۲۰۰۸), **Arabization, Changing Face of Islam in Asia**, in Institute of Peace and Conflict Studies, New Delhi.

Vincent J. H. Houben(۲۰۰۳), **Southeast Asia and Islam**, in **Annals of the American Academy of Political and Social Science**, Vol. ۵۸۸, Islam: Enduring Myths and Changing Realities (Jul ۲۰۰۳), pp. ۱۷۰-۱۴۹.

Imtiyaz Yusuf(۲۰۰۷), **Faces of Islam in Southern Thailand**, East-West Center, Washington.

The involvement of Salafism/Wahhabism in the support and supply of arms to rebel groups around the world(۲۰۱۳), by European Parliament's Committee on Foreign Affairs.

Joseph Chinyon Liow(۲۰۰۶), **Muslim resistance in Southern Thailand and southern Philippines: religion, ideology and politics**, East-West

Center, Washington.

Joseph Chinyon Liow(۲۰۰۹), **Islam, education and reform in Southern Thailand, Institute of Southeast Asian Studies**, Singapore.

Ilk A. Mansurnoor(۲۰۰۹), **Revivalism and radicalism in southeast Asia: A pattern or an anomaly?** In *New Zealand Journal of Asian Studies* ۱, ۱۱ (June ۶۲-۲۲۲ : (۲۰۰۹.

Delia Noer(۱۹۸۷), **The modernist muslim movement in Indonesia, ۱۹۴۲-۱۹۰۰**, Oxford.

Noorhadi Hasan(۲۰۱۱), **Salafi Madrasas and Islamic Radicalism in Post-New Order Indonesia**, in *Islamic studies and Islamic education in contemporary Southeast Asia*, Editors Kamaruzzaman Bustamam-Ahmad Patrick Jory, Kuala Lumpur.

Jane Perlez, **Saudis Quietly Promote Strict Islam in Indonesia**, in *New York Times*, July ۲۰۰۳, ۵.

Bilveer Singh(۲۰۰۷), **The Talibanization in Southeast Asia**, Praeger Security International, London.

Terrorism in Southeast Asia(۲۰۰۹), in *Congressional Research Service*, The Library of congress, October ۲۰۰۹, ۱۶.